



تقریر درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۳	تاریخ	۱۴۰۰/۰۷/۲۱
عنوان ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان ۲	عدل سیاسی			
عنوان ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان ۵	حق چهارم: حق تملک و ثبات مالکیت			
عنوان ۶	بحث سوم: حق تملک بانوان			
عنوان ۷	بخش دوم: اختیار تصرف بانوان در اموال خود			

مرور درس گذشته

بحث ما در حقوق شهروندی بود که به حق چهارم که حق مالکیت بود رسیدیم و بحث حق مالکیت بانوان و کودکان و غیر مسلمانان معاهد را شروع کردیم که البته این خود در سه بخش است؛ حق تملک بانوان؛ و بعد حق تملک کودکان و سپس حق تملک غیر مسلمین در دولت اسلامی.

در مبحث قبل اجمالاً اشاره کردیم که درباره حق تملک بانوان سه بحث وجود دارد: بحث اول، اصل اینکه زن می تواند تملک پیدا کند و آیاتی را در این رابطه خواندیم و گفتیم آیات مربوط به کسب نساء: «وَاللِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»^۱؛ و آیات مربوط به ارث النساء که به آنها اشاره کردیم و از این بحث فارغ شدیم که اجمالاً در شریعت اسلامی، زن حق تملک دارد.

متنی را از دکتر مصطفی سباعی بخوانیم - البته در این عرصه بسیار نوشته اند ولی به عنوان نمونه به این متن اشاره می کنیم - ایشان بحث خوبی دارد در تاریخ حقوق بانوان در غرب و مفصلاً بحث کرده است و ما تنها یک مقطع را به عنوان نمونه بیان می کنیم:

«و من الطریف أن نذكر أن القانون الإنجليزي حق عام ۱۸۰۵ كان يبيع للرجل أن يبيع زوجته، وقد حدد ثمن الزوجة بستة بنسات (نصف شلن = ربع ليرة سورية) فقد حدث أن باع انجليزي زوجته عام ۱۹۳۱ بخمسائة جنيه، وقال محاميه في الدفاع عنه: إن القانون الإنجليزي قبل مائة عام كان يبيع للزوج أن يبيع زوجته، وكان القانون الإنجليزي

عام ۱۸۰۱ یحدد ثمن الزوجة بستة بنسات بشرط أن يتم البيع بموافقة الزوجة، فأجابت المحكمة بأن هذا القانون قد ألغى علم ۱۸۰۵ بقانون يمنع بيع الزوجات أو التنازل عنهن، وبعد المدولة حكمت المحكمة على بائع زوجته بالسجن عشرة أشهر»؛

در دوران پیشرفت انگلستان، کسی که زنش را فروخته بود، محکوم نشد به اینکه ببيع، ببيع باطلی است؛ بلکه فقط ده ماه زندان برای او در نظر گرفتند به این علت که این قانون نسخ شده بود.
در ادامه می نویسد:

«وقد حدث في العام الماضي أن باع ايطالي زوجته لآخر على أقساط، فلما امتنع المشتري عن سداد الأقساط الأخيرة قتله الزوج البائع (مجلة حضارة الاسلام: السنة الثانية ص ۱۰۷۸).

و لما قامت الثورة الفرنسية (نهاية القرن الثاني عشر) وأعلنت تحرير الإنسان من العبودية والمهانة، لم تشمل بنحوها المرأة: فنص القانون المدني الفرنسي على أنها ليست اهلاً للتعاقد دون رضا وليها إن كانت غير متزوجة، وقد جاء النص فيه على أن القاصرين هم: الصبي والمجنون والمرأة؛ واستمر ذلك حتى عام ۱۹۳۸ حيث عدلت هذه النصوص لمصلحة المرأة، ولا تزال فيه بعض القيود على تصرفات المرأة المتزوجة»^۲

سخن در این عرصه بسیار طولانی است؛ اینکه این را بیان کردیم برای اشاره به این بود که وضع حق مالکیت برای بانوان تا یکی دو قرن اخیر در غرب بلکه در اغلب نقاط جهان چنین وضعیتی داشت؛ در چنین شرایطی اسلام برای زن حق تملک قائل شده است و از ابتدای آنکه تشریع اسلامی آمده است، زن حق مالکیت داشته است.

بخش دوم: اختیار تصرف بانوان در اموال خود

در این بخش، سه حوزه وجود دارد:

۱. در واجبات، تصرف زن در اموال خودش متوقف بر اذن زوج نیست؛ مانند حج واجب، خمس و زکات.
۲. همچنین زن در تصرفات مربوط به نیازهای شخصی خود نیز متوقف بر اذن زوج نیست؛ مانند اینکه برای خود لباسی بخرد و یا وسائل خانه قشنگ و خوب برای خود بخرد می تواند چنین کند و نیازی به اذن زوج ندارد؛ همانطوری که در آن روایت است از حضرت باقر علیه السلام که کسی بر ایشان وارد شد و دید که در اتاقی که حضرت در آن نشسته بود، بساط سطح بالا مثلاً فرش عالی و بالش و تشک گران بها وجود دارد؛ که بعد حضرت به او فرمود اینها ملک زوجه است و چیزهایی است که زوجه خودش برای خودش خریده است و مربوط به من نیست. روایت چنین است:

۱. یعنی حدود سال ۱۹۶۰، زیرا این کتاب که شاپ ششم است، ۱۴۰۴، حدود ۴۰ سال پیش چاپ شده است.

۲. المرأة بین الفقه و القانون؛ ص ۱۹.

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الرَّيْدِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «دَخَلَ قَوْمٌ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَرَى فِي مَنْزِلِكَ أَشْيَاءَ نَكْرَهُهَا وَإِذَا فِي مَنْزِلِهِ بُسْطٌ وَنَمَارِقٌ فَقَالَ عليه السلام إِنَّا نَنْتَزِجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مُهُورَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ مَا شِئْنَا لَيْسَ لَنَا مِنْهُ شَيْءٌ»^۱؛

۳. نوع سوم از انواع تصرفات، تصرف در اموال خودش در مستحبات است که از ادله استفاده می شود اینگونه تصرفات، متوقف بر اذن از زوجه است؛ نکته اش هم این است که مستحبات، حد و حصر ندارد و اگر زن بخواهد مشغول مستحبات شود، معمولاً با حقوق مرد در تنافی خواهد بود؛ یک روز می خواهد به کربلا برود، یک روز مشهد برود؛ یک روز می خواهد به حج استحبابی برود. از مجموع روایات استفاده می شود که تقیّد به اذن زوج، مرهون به تصرفاتی است که با حقوق زوجیت زوج منافات دارد.

و همچنین از روایات استفاده می شود که [این مطلب علاوه بر تراحم با حقوق زوج، باعث] خالی ماندن خانه از مدیریت است. مطلبی را در فقه خانواده بیان کردیم که مسأله مدیریت خانه است. جامعه از خانواده و خانه ها شکل می گیرد و خانواده در خانه (بیت) شکل می گیرد و مراد از خانواده، صرف ارتباط پدر و مادری و خواهر و برادری نیست؛ بلکه ارتباطی است که در خانه شکل می گیرد؛ لذا خانه و بیت مهم است و تأکید کرده ایم که اصطلاح ابن البیت و ابن الشارع از اصطلاحات شرعی ماست؛ بین کسی که در خانه تربیت شده و بزرگ می شود و کسی که در خیابان بار می آید تفاوت وجود دارد؛ معمولاً کسی که در خیابان تربیت می شود، مقید به موازین نیست. تربیت انسان، در خانه شکل می گیرد، و خانواده نیز در خانه شکل می گیرد؛ لذا مدیریت خانه در اسلام بسیار مهم است که خانه دارای سرپرست و مدیر باشد. از ادله شرعی استفاده می شود که مدیر خانه، خانم خانه است؛ «رَبَّةُ الْبَيْتِ» است. مدیریت خانه بر عهده زوجه است تا خانه بدون سرپرست نماند و این مخصوص بچه ها نیست؛ بلکه خود زوج نیز همین است یعنی اینکه زوج وارد خانه شود و خانه آماده برای آرامش زوج که در حقیقت آرامش زوجین است باشد. این برای زندگی خانوادگی یک اصل و اساس مهم است؛ خانه نباید بی سرپرست شود؛ لذا ظاهراً نکته این است که اگر بنا باشد زن در افعال مستحبه، مختار باشد و افعال مستحبه را بدون اذن زوجه انجام دهد، این مشکل پیش می آید که خانه بدون سرپرست می ماند. آنقدر مسأله مدیریت خانه در شرع اسلام مهم است که گفته شده «مسجد المرأة بیتها» و «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»^۲؛ این نصوص، اهمیت مدیریت خانه را مورد تأکید قرار می دهند.

۱. کافی؛ ج ۶، ص ۴۷۶؛ همچنین اینگونه نیز وارد شده است: وَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «دَخَلْتُ يَغْنِي عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي مَنْزِلِهِ فَوَجَدْتُهُ فِي بَيْتٍ مُنَجَّدٍ قَدْ نُصِدَ بِنِسَائِدٍ وَأَنَامَ وَ مَرَّاقٍ وَأَفْرِشَةٍ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ فَوَجَدْتُهُ فِي بَيْتٍ مَفْرُوشٍ بِحَصِيرٍ فَقُلْتُ مَا هَذَا الْبَيْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ هَذَا بَيْتِي وَ الَّذِي رَأَيْتُ قَبْلَهُ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَ سَأَحْدُثُكَ بِحَدِيثِ حَدَّثَنِي أَبِي ص قَالَ دَخَلَ قَوْمٌ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَرَأَوْا فِي مَنْزِلِهِ بَسَاطاً وَ نَمَارِقَ وَ غَيْرَ ذَلِكَ مِنَ الْمَفْرُوشِ فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَرَى فِي مَنْزِلِكَ أَشْيَاءَ لَمْ تَكُنْ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّا نَنْتَزِجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مُهُورَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَا لَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ»؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲. کافی؛ ج ۵، ص ۹.

بنابراین تصرفات زن در امور مستحبیه بدون اذن شوهر، منشأ مشکلات فراوانی خواهد شد که مهم‌ترینش این است که خانه بدون سرپرست و فاقد مدیریت ثابت و مطمئن خواهد شد.

بسیاری از روایاتی که در این زمینه وارد شده، مربوط به تصرف مرأه در مال زوج است؛ که این قطعاً متوقف بر اذن از زوجه است؛ و آن تصرفاتی که در مال خود زوجه است و مقید به اذن زوج است، مربوط به مستحبات است؛ و از روایات استفاده می‌شود نکته‌اش تزامنی است که بین این تصرف و بین حقوق زوجیه و مخصوصاً مدیریت خانه پیش می‌آید. به برخی روایات این باب اشاره می‌کنیم:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ وَلَا تَصْدَقَ مِنْ بَيْتِهِ ^۱ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ ^۲ وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ ^۳ وَإِنْ خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَمَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَمَلَائِكَةُ الْعُصْبِ وَمَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا. قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ؟ قَالَ وَالِدُهُ ^۴. (قَالَتْ فَمَنْ) أَكْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الْمَرْأَةِ؟ قَالَ زَوْجُهَا. قَالَتْ: فَمَا لِي عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ مَا لَهُ عَلَيَّ؟ قَالَ لَا وَلَا مِنْ كُلِّ مِائَةٍ وَاحِدَةٍ ^۵؛

نکته اینکه حق او بیش از حقی است که تو بر او داری همین است که تأمین مالی زوجه بر عهده زوج است؛ لذا فرمود: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» ^۶ نیز به همین نکته است که «بما انفقوا من اموالهم»؛ یعنی «بعلة انفاقهم علیها»؛ به این دلیل که این انفاق برعهده مرد است، لذا حق مرد بر زن بیشتر است. حتی در مسأله ولایت پدر این را گفته‌ایم که دختر باکره که ولایت پدر بر او هست و تزوجش متوقف بر اذن پدر است، در آنجا نیز از روایات استفاده می‌کنیم که آن تا هنگامی است که هزینه‌های زندگی دختر، با پدر است؛ اما اگر دختر بالغه و رشیده شد و سرکار رفت و توانست خود را تأمین کند، می‌تواند بدون اذن پدر ازدواج کند. در اسلام، مسأله حقوق ولایتی، به مسأله تأمین مالی گره خورده است؛ تأمین مالی، حقوق ولایتی ایجاد می‌کند؛ لذا در جایی که حق تأمین زن برگردن مرد گذاشته شده و بر او واجب است که چنین کند و برعکس نیست؛ لذا حقی که مرد بر زن دارد، از حقی که زن بر مرد دارد بیشتر است؛ زیرا تأمین مالی مسأله مهمی است و تمام خوراک و پوشاک و مسکن زن را باید مرد تأمین کند و زن معاف از تأمین این امور است؛ همین است حقوق مرد بر زن، بیشتر است از حقوق زن بر مرد است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین

۱. از عبارت «لَا تَصْدَقَ مِنْ بَيْتِهِ» استفاده می‌شود که این روایت در خصوص تصرف در اموال زوج است؛ نه از اموال خودش.

۲. از این جملات نیز استفاده می‌شود که آن تصرفاتی که مزاحمت با حقوق مرد دارد، بدون اذن مرد جایز نیست.

۳. نکته این نیز همین است که در اسلام، سرپرست خانه باید سرکار خود حاضر باشد؛ مانند مدیر یک مجموعه که باید سرکار خودش حاضر باشد؛ زن، مدیر خانه و سرپرست مدیریت امور خانه است؛ لذا نباید خانه را رها کند، مگر با هماهنگی شوهرش.

۴. والد، هم شامل پدر می‌شود و هم مادر.

۵. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمات النکاح، باب ۷۹، ح ۱.

۶. سورة نساء: ۳۴.